

درس یازدهم: یاران عاشق

نوع ادبی: انقلاب اسلامی / قالب: مثنوی / محتوا: گرامی داشت شهید و شهادت

۱) یاران عاشق: منظور شهدا است / ۲) حکایت: داستان، نقل قول

۱. بی‌عاشقی را رعایت کنیم / ۲. یاران عاشق حکایت کنیم

معنی: بیایید تا به راه و رسم عاشقی پایبند باشیم و داستان یاران عاشق (شهدا) را نقل کنیم.

مفهوم: رعایت رسم و رسوم عاشقی / زنده نگه داشتن نام و یاد عاشقان (شهدا)

آرایه و دستور: مراعات نظیر: عاشقی و عاشق / نوع ترکیب «یاران عاشق»: وصفی / واج‌آرایی: تکرار مصوت بلند «ا»

۱. خونین سفر کرده‌اند: شهید شده‌اند (کنایه) / ۲. مدار: مسیری معمولاً دایره‌ای شکل که در آن چیزی به دور چیز دیگر می‌چرخد؛ مسیر

[مدار خطر: مسیر عاشقی، استعاره از جبهه و جنگ / بر مدار خطر سفر کردن: پذیرفتن خطرات، رفتن به استقبال دشواریها]

۱.۲ از آنها که خونین سفر کرده‌اند / سفر بر مدار خطر کرده‌اند

معنی: داستان کسانی را بگوئیم که خطرات راه عشق (جبهه و جنگ) را پذیرفتند و به شهادت رسیدند.

مفهوم: ستایش شهدا و شجاعت آنها / پرمخاطره بودن راه عشق / عاشقان (شهدا) از خطرات و دشواری‌ها نمی‌هراسند.

آرایه و دستور: تکرار: سفر و کرده‌اند / واج‌آرایی: صامت «ر» / اضافه استعاری: مدار خطر / حذف: حذف جمله «حکایت کنیم»

۱. خورشید: نماد روشنی و روشنگری / ۲. دمید: طلوع کرد، بیرون آمد / ۳. گلو: مجاز از دهان / ۴. سحرزاد: زاده شده در سحر، کنایه از پاک و

زالال، الهی و معنوی (سحر: نماد آگاهی، روشنی و پاکی) (فریادشان از گلو دمید: فریاد زنده، اعتراض کردند، کنایه) کل بیت کنایه از بیان

سخنان روشنگرانه و آگاهی‌بخش)

۱.۳ از آنها که خورشید فریادشان / دمید از گلو سحرزادشان

معنی: (داستان کسانی را بگوئیم) که فریاد روشنی‌بخش و امیدآفرین آنها از دهان پاکشان بلند شد. (فریاد حق سردادند و روشنگری کردند)

مفهوم: فریاد شهیدان راهنما و امیدبخش است.

آرایه و دستور: اضافه تشبیهی (تشبیه): خورشید فریاد (فریاد شهدا مثل خورشید روشنی‌بخش است) / مراعات نظیر: خورشید، سحر، دمید

- فریاد و گلو / استعاره و تشخیص: گلو سحرزاد / نوع ترکیب «گلو سحرزاد»: وصفی / نوع ترکیب «سحرزادشان»: اضافی

۱. جانانه: با جان و دل، از صمیم قلب / ۲. جنون: دیوانگی، شیفتگی، شیدایی، استعاره از عاشقی (چرخ زدن: رقصیدن) (چرخ جنون زدن:

کنایه از رقصیدن با شیدایی و شیفتگی) / ۳. دف: یکی از سازهای ضربی (دف عشق زدن: کنایه از عاشقی نمودن) (دست خون: اصطلاحی در

قمار که فرد همه چیزش را باخته و بر سر جانش شرط می‌بندد!) (دف عشق با دست خون زدن: کنایه از شهادت طلبی با نهایت عشق به خدا،

عاشقانه شهید شدن)

۱.۴ چه جانانه چرخ جنون می‌زند / دف عشق با دست خون می‌زند

معنی: کسانی که با تمام وجود عاشقانه می‌رقصند و به خاطر عشق‌بازی با خدا جان خودشان را فدا می‌کنند!

مفهوم: شهدا عاشقان واقعی بودند / فدا کردن جان به خاطر خدا

آرایه و دستور: تشبیه: دف عشق / مراعات نظیر: چرخیدن، دف، دست زدن / واج‌آرایی: تکرار صامت «ن» و «ج و چ» / تلمیح: اشاره به

سماع (رقص) عارفانه که با دف‌زدن همراه است و نیز اشاره به بازی نرد / نقش «جانانه»: قید / ترکیب‌های اضافی: چرخ جنون، دف عشق

۱. بی‌پا و سر بودن: کنایه از تکه تکه بودن بدن (بی‌پا و سر رقصیدن: کنایه از عاشقانه جان دادن، شهید شدن) / ۲. نغمه: آواز خوش، سرود / ۳. سر می‌کنند: سر می‌دهند، کنایه از: شروع می‌کنند، شروع به خواندن می‌کنند.

۵. به رقصی که بی‌پا و سر می‌کند / چنین نغمه‌ای عشق سر می‌کند: ۳

معنی: شهدا در حالی که عاشقانه جان می‌دهند، این چنین زیبا و دلنشین سرود عشق می‌خوانند: (با بیت بعد موقوف‌المعانی است)

مفهوم: شادی شهیدان از شهادت / جانبازی عاشقانه

آرایه و دستور: تشبیه: نغمه عشق / مراعات نظیر: پا و سر / جناس: سر و سر / تناقض: بی‌پا و سر رقصیدن، بی‌سر نغمه سر دادن /

۱. هلا: شبه‌جمله برای ندا و آگاه کردن، ای، الا، آگاه باش / ۲. منکر: انکارکننده، ناباور / ۳. جان: روح، نفس، مجاز از وجود / ۴. جانان: استعاره از معشوق و محبوب / ۵. زخم: ضربه، آسیب / ۶. انکار: باور نکردن، نپذیرفتن، نفی کردن [مصراع دوم کنایه است: با انکار خود به ما آسیب بزن، جان عاشق ما را انکار کن]

۶. هلا منکر جان و جانان / بزن زخم انکار بر جان ما

معنی: ای کسی که جان عاشق و وجود معشوق ما را باور نداری (با این نپذیرفتن)، بر ما ضربه بزن و روح ما را آزاده کن!

مفهوم: بلاکشی عاشق / غیر عاشقان وجود عاشق و معشوق را انکار می‌کنند / عاشقان به انکار منکران اعتنایی نمی‌کنند /

آرایه و دستور: واج آرایه: تکرار صامت «ن» / تشبیه: زخم انکار / تکرار: جان / نوع ترکیب «زخم انکار» اضافی /

۱. زخم: ضربه، آسیب، استعاره از انکار و سرزنش / ۲. مرهم: هر دارویی که روی زخم گذارند، التیامبخش / ۳. بی‌زخم مردن: مرگ عادی

۷. بزن زخم، این مرهم عاشق است / که بی‌زخم مردن، غم عاشق است

معنی: (ای انکارکننده، با انکار عشق ما) بر جان عاشق ما ضربه بزن؛ زیرا این ضربه برای جان ما مثل داروی التیامبخش است؛ چون بدون آسیب مردن برای عاشق واقعی، اندوهناک است.

مفهوم: بلاکشی عاشق / دردطلبی عاشق / تحمل رنج عشق / غم عشق التیامبخش جان عاشق است!

آرایه و دستور: متناقض‌نما: مرهم بودن زخم! / تکرار: زخم و عشق / مراعات نظیر: غم، زخم، مرهم، مردن / نقش واژه «این»: نهاد

۱. سوختن جان: کنایه از درد و رنج بسیار / ۲. فرط: بسیاری / ۳. خموشی: خاموشی، سکوت / ۴. هان: به هوش باش؛ شبه‌جمله، صوت

۸. مگو سوخت جان من از فرط عشق / خموشی است هان، اولین شرط عشق

معنی: ای عاشق! از درد و رنج فراوان راه عشق شکایت نکن؛ آگاه باش که اولین شرط عشق سکوت و رازداری است.

مفهوم: عاشق اعتراض نمی‌کند / اولین شرط عشق سکوت و رازداری است / رضایت عاشقانه / بلاکشی عاشق / صبور بودن در راه عشق

آرایه و دستور: جناس ناهمسان: فرط و شرط، هان و جان / تکرار: عشق / تعداد جمله‌ها: چهار (هان یک جمله است).

۱. لاله: نوعی گل سرخ‌رنگ، نماد شهید / ۲. باغ: استعاره از وطن، ایران / ۳. فریادشان تا خداست: فریادشان بسیار بلند است (کنایه)

۹. بین لاله‌هایی که در باغ ماست / خموشند و فریادشان تا خداست

معنی: به شهیدان راه وطن نگاه کن که در ظاهر ساکت هستند، ولی فریاد روشنگرانه آنها تا درگاه خدا می‌رسد!

توجه: این بیت نمونه و مصداقی برای بیت قبل است.

مفهوم: شهیدان عاشق هستند / عاشق واقعی ساکت است و ادعایی ندارد / بلندی فریاد شهیدان تا عرش خداوندی می‌رسد / شهدا زنده‌اند

آرایه و دستور: تناسب: لاله و باغ / پارادوکس: خموشند و فریادشان تا خداست / اغراق: بلندی فریاد شهدا / نقش «شان»: مضاف‌الیه

۱. لاله: نوعی گل سرخ‌رنگ، نماد شهدا / ۲. بیعت*: پیمان، عهد، پیمان بستن برای فرمان‌برداری و اطاعت از کسی / ۳. آلاله: لاله سرخ، شقایق، استعاره(نماد) از جانبازان و شهدا / ۴. حمایت: پشتیبانی

۱۰. بیا با گل لاله بیعت کنیم که آلاله‌ها را حمایت کنیم

هم‌صدا با حلق اسماعیل، سید حسن حسینی

معنی: بیا تا با شهیدان پیمان ببندیم که راه آنها را ادامه خواهیم داد و از آرمان‌های آنها پشتیبانی خواهیم کرد.

مفهوم: عهد با شهدا / حمایت از آرمان‌های شهدا / توصیه به ادامه دادن راه شهیدان /

آرایه و دستور: مراعات نظیر: لاله، آلاله و گل / جناس ناقص: لاله و آلاله / تشخیص: بیعت کردن با گل لاله

گروه‌های مهم املائی

گلی سحرزاد - دف عشق - زخم انکار - مرهم و التیام‌بخش - فرط عشق - عهد و بیعت - زربینه و سیمینه - قالب و مضمون /// ظهر آدینه - جغد و ویرانه

کارگاه متن‌پژوهی

قلمرو زبانی

۱. معادل معنایی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

منکر آینه باشد چشم کور / دشمن آینه باشد روی زرد (عمادی شهریاری) انکارکننده
مفهوم: سرزنش رفتارهای جاهلانه و متعصبانه

ای داور زمانه، ملوک زمانه را / جز بر ارادت تو مسیر و مدار نیست. (مسعود سعد سلمان)

مدار*: مسیری معمولاً دایره‌ای شکل که در آن چیزی به دور چیز دیگر می‌چرخد؛ مسیر
مفهوم: شاهان و بزرگان همه تسلیم مشیت الهی هستند.

۲. همان‌طور که می‌دانید، صفت بیانی برای توضیح و وصف یک واژه به کار می‌رود. واژه‌ای که وصف می‌شود، موصوف نام دارد.

مثال: کتاب خواندنی

موصوف صفت

به پرکاربردترین صفت‌های بیانی توجه کنید:

(۱) مطلق: پاک، خوشحال، خطرناک

(۲) فاعلی

- بن مضارع + سنده: سازنده، درخشنده
- بن مضارع + ا: گویا، کوشا
- بن مضارع + ان: خندان، تابان
- بن ماضی / بن مضارع + گار: آفریدگار، آموزگار
- بن ماضی + ار: خریدار، خواستار
- اسم / بن / صفت + گر: زرگر، توانگر، روشنگر
- اسم / صفت + بن مضارع: خدانشناس، راستگو

۳) مفعولی: } بن ماضی + ه/ه (= -): پرورده، شکسته
بن ماضی + ار: گرفتار، مُردار

۴) لیاقت: مصدر + ی: آشامیدنی، ستودنی

(سیمیینه*: منسوب به سیم، سیمین، اشیای ساخته شده از سیم یا نقره)
(روحانی*: منسوب به روح، معنوی، ملکوتی)

۵. نسبی } - اسم + ی: آسمانی، نارنجی
- اسم + ین: امروزی، آهنین
- اسم + ینه: چرمینه، سیمیینه*
- اسم + انی: عقلانی، روحانی*
- اسم + انه: کودکانه، سالانه

■ اکنون مانند نمونه، جدول را کامل کنید.

صفت مفعولی	صفت لیاقت	صفت فاعلی	بن مضارع	فعل
نوشته	نوشتنی	نویسنده	نویس	نوشت
..... (خوانده) (خواندنی) (خواننده) (خوان)	خواندم

قلمرو ادبی

۱. از متن درس، برای هر یک از آرایه‌های ادبی زیر، نمونه‌ای مناسب بیابید و بنویسید.

الف) تشبیه: د ف عشق با دست خون می‌زنند / بزَن زخم انکار بر جان ما.
ب) متناقض‌نما: به رقصی که بی‌پا و سر می‌کنند / خموشند و فریادشان تا خداست.

۲. شعر «یاران عاشق» را از نظر قالب و مضمون با شعر «زاغ و کبک» مقایسه کنید.

قالب هر دو مثنوی است؛ چون هر بیت قافیه‌ای جداگانه دارد. اما از نظر مضمون شعر زاغ و کبک محتوای تعلیمی دارد و در نکوهش تقلید کورکورانه است؛ ولی شعر یاران عاشق از ادبیات انقلاب اسلامی است و محتوای آن مبارزه، شهادت و آرمان‌گرایی است.

قلمرو فکری

۱. در این شعر، مقصود از «یاران عاشق» چه کسانی هستند؟ در بیت سوم به کدام ویژگی آنها اشاره شده است؟

مقصود از «یاران عاشق» شهیدان هستند و در این بیت به فریاد روشنگرانه و امیدبخش آنها اشاره شده است.

۲. در بیت آخر، بر کدام یک از ارزش‌های انقلاب اسلامی تأکید شده است؟

بیعت با شهدا جهت حمایت از آنها و ادامه دادن راهشان

۳. نخست مفهوم کلی بیت‌های زیر را بنویسید؛ سپس برای هریک، بیتی متناسب از متن درس بیابید.

الف) ای مرغ سحر، عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد (سعدی)

تحلیل: مرغ سحر: استعاره از بلبل، نماد عاشق ظاهری / پروانه: نماد عاشق حقیقی / سوخته: کنایه از عاشق راستین (آن سوخته را جان شد: جان آن سوخته رفت، رای فک اضافه) / شد: رفت / آواز نیامد: ادعا نکرد، اعتراض نکرد

معنی: ای بلبل! راه و رسم واقعی عشق را از پروانه بیاموز؛ زیرا جان خود را در راه معشوق (شمع) از دست داد؛ اما صدایی از او بلند نشد.

مفهوم: رازداری عاشقانه / خاموشی عارفانه / دعوت به پاک‌باختگی و رازداری و صبر و خاموشی در راه وصال / شرط وصال فراموشی خود است.

ارتباط و قرابت با: مگو سوخت جان من از فرط عشق / خاموشی است هان اولین شرط عشق

ب) چه از تیر و چه از تیغ، شما روی نتابید / که در جوشن عشقید، که از کرب و بلاید (حمید سبزواری)

تحلیل: روی تابیدن: کنایه از ترسیدن، دوری کردن / جوشن: زره، لباس جنگی (جوشن عشق، تشبیه) / تلمیح: اشاره به واقعه کربلا / تناسب: تیر و تیغ و جوشن معنی: شما از تیر و شمشیر دشمن نترسید. زیرا زره عشق بر تن دارید و از یاران امام حسین (ع) هستید.

مفهوم: عاشق واقعی از چیزی نمی‌ترسد و جان فدای معشوق می‌کند.

ارتباط و قرابت با: بزن زخم، این مرهم عاشق است / که بی‌زخم مردن، غم عاشق است

۱. چنبر*: حلقه و هر چیز حلقه مانند، کمند، قلاده / ۲. نفس: روح و روان، جان، اینجا تعلق و دلبستگی / ۳. رستن*: رها شدن، نجات یافتن

[رستن از چنبر نفس: کنایه از ترک تعلقات] / ۴. بت: تندیس که به شکل‌های گوناگون سازند، نماد زیبایی، استعاره از تعلقات نفسانی و دنیایی

(شکستن بت: کنایه از کشتن نفس و خواهشهای نفسانی) / ۵. پرواز: مجاز از پرنده / ۶. پر گشودن به عرش: کنایه از شهادت، رسیدن به

عالم معنا و بهشت برین (۷. عرش: آسمان، تخت، سریر، مجاز از بهشت) / ۸. دست بسته: کنایه از اسیر

از چنبرِ نفس^۱، رسته بودند^۳ آنها / بت^۴ ها همه را شکسته بودند آنها

پرواز^۵ شدند و پر گشودند^۶ به عرش^۷ / هر چند که دست بسته^۸ بودند آنها

مصطفی محدثی خراسانی

معنی: آن‌ها (شهادای غواص) از قید و بند تعلقات نفسانی رها شده بودند و همه وابستگی‌های مادی و دنیایی را از بین برده بودند. آن شهدا هرچند

اسیر و دست بسته بودند، ولی مثل پرنده‌هایی به آسمان (بهشت) پرواز کردند. (شهید شدند)

مفهوم: شهید شدن اسیران / ستایش و ارستگی شهدای غواص / رهایی از تعلقات نفسانی و مادی

آرایه و دستور: تشبیه: نفس و تعلقات به چنبر / تلمیح: اشاره به بت‌شکنی حضرت ابراهیم (ع) و حضرت محمد (ص) و شهادت غواصان ایرانی

در جنگ تحمیلی / تناقض: دست بسته پر کشیدن / مراعات نظیر: پرواز، پر گشودن، عرش / نوع فعلهای «رسته بودند و شکسته بودند»:

ماضی بعید / نقش «همه»: صفت مبهم (همه بتها)

درس یازدهم: شعر خوانی (صبح بی تو)

۱. آدینه*: روز جمعه، آخرین روز هفته [رنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد: مثل غروب جمعه دلگیر است، کنایه] /

۱. صبح بی تو رنگ بعد از ظهر یک آدینه^۱ دارد بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد.

معنی: ای امام زمان! صبح بدون تو مثل غروب جمعه دلگیر است و بدون تو حتی مهربانی مثل کینه و دشمنی است. (ظاهری است)

مفهوم: امام زمان نباشد روزها غمبار و مهربانی‌ها غیر واقعی است!

آرایه و دستور: مراعات نظیر: صبح و بعد از ظهر / پارادوکس: مهربانی حالتی از کینه دارد / تشبیه: صبح به بعد از ظهر و مهربانی به کینه /

تکرار: بی تو / تلمیح: اشاره به ظهور امام زمان در شب جمعه / حس آمیزی: رنگ بعد از ظهر /

۱. تعطیل بودن عشقبازی: کنایه از بی رونق بودن عشق و عاشقی / ۲. شنبه و آدینه: مجاز از همه روزها (کی خبر از شنبه و آدینه دارد؟:

از شنبه و آدینه اصلاً خبر ندارد. (استفهام انکاری))

۲. بی تو می گویند تعطیل است کار عشقبازی^۱ عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه^۲ دارد؟

معنی: عده‌ای می گویند در غیبت تو عشق و عشق بازی رونقی ندارد. اما عشق (به تو) همیشگی است و در همه روزها وجود دارد.

مفهوم: جاودانگی عشق / عشق تعطیلی ندارد / عشق همیشگی است

آرایه و دستور: استعاره: تعطیلی عشقبازی / تشخیص: بی خبر بودن عشق / تناسب: تعطیل و آدینه - شنبه و آدینه - عشق و عشقبازی /

۱. جغد: نماد شومی و استعاره از منکران امام زمان / ۲. ویرانه‌ها: استعاره از دل‌های خراب و شکسته منتظران / ۳. گنجینه: استعاره از امام زمان

(بوی چیزی را داشتن: نشان چیزی را داشتن (کنایه))

۳. جغد^۱ بر ویرانه^۲ می خواند به انکار تو اما خاک این ویرانه^۳ بویی از آن گنجینه^۳ دارد

معنی: انکارکنندگان تو فریاد انکار تو را برای منتظران سر می دهند؛ اما نشانه وجود تو مثل گنجی در دل‌های شکسته منتظران قرار دارد.

مفهوم: عشق امام زمان در دل‌های عاشقان قرار دارد. / اهل دل نشانه‌های امام زمان را حس می کنند

آرایه و دستور: مراعات نظیر: جغد، ویرانه و گنجینه / تلمیح: اشاره به این باور گذشتگان که جغد در ویرانه‌ها آواز می خواند و ویرانه جای گنج

است / تلمیح: مصراع دوم به حدیث «ان الله فی قلوب منکسره» اشاره دارد (خدایند در دل‌های شکسته جای دارد) / تکرار: ویرانه

۴. خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد

معنی: می خواستم از رنج دوری سخن بگویم، اما یادم آمد که عشق با درد و رنج، پیوندی قدیمی دارد! (عشق همیشه همراه با درد و رنج بوده است)

مفهوم: عاشق نباید از درد عشق بنالد / عشق همیشه با درد و رنج همراه است / بلاکشی عاشق / درد و رنج عشق دائمی است.

آرایه و دستور: مراعات نظیر: رنجش و دوری - عشق و آزار / نوع ترکیب «خویشاوندی دیرینه»: وصفی

۱) هوا: آرزو، عشق (۲ / پر کشیدن: کنایه از پرواز کردن (در هوای کسی پر کشیدن: کنایه از اشتیاق فراوان داشتن به او) / ۳) کبوتر چاهی: کبوتر کوهی یا وحشی، نوعی کبوتر که در چاه لانه می‌سازد. (آن کبوتر چاهی زخمی: استعاره از دل) / ۴) او: امام زمان /

۵. در هوای عاشقان پرمی کشد^۱ با بی‌قراری آن کبوتر چاهی^۳ زخمی که او^۴ در سینه دارد

معنی: دل پر از درد و رنج امام زمان (عج) بی‌تابانه مشتاق دیدار منتظران عاشق خود است.

مفهوم: عشق فراوان امام زمان نسبت به امت و منتظرانش

آرایه و دستور: تلمیح: اشاره به برخی از احادیث که می‌گویند امام مهدی نیز عاشق منتظران و به فکر آنها است. / ایهام تناسب: هوا: ۱. آرزو (ق ق) / ۲. جو و اتمسفر (غ ق ق و متناسب با کبوتر) / مراعات نظیر: پر کشیدن و کبوتر - عاشقان و بی‌قراری / نوع ترکیب «آن کبوتر چاهی زخمی»: سه ترکیب وصفی (آن کبوتر - کبوتر چاهی - کبوتر زخمی) / زمان فعل «دارد»: مضارع اخباری

۱. گشودن قفل چیزی: کنایه از حل مشکل (تیرگی: نماد ظلم و خفقان) / ۲. آینه: نماد حقیقت، پاکی و روشنی (شهر پر آینه: کنایه از آرمان شهر و مدینه فاضله) (کلید در دست کسی بودن: کنایه از حلال مشکلات بودن)

۶. ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید^۱ آنکه در دستش کلید شهر پر آینه^۲ دارد

قیصر امین‌پور

معنی: امام مهدی با ظهور ناگهانی خود ظلم و ستم را از بین می‌برد و جهانی آرمانی و حقیقی را که پر از پاکی و روشنی است به وجود می‌آورد.

مفهوم: امام مهدی با ظهور خود جامعه‌ای عاری از ظلم و ستم پدید می‌آورد.

آرایه و دستور: مراعات نظیر: قفل، کلید و می‌گشاید / تشبیه: قفل تیرگی / تلمیح: اشاره به اینکه خاندان حضرت مهدی کلیددار خانه خدا و یکتاپرست بودند / نقش «ناگهان»: قید / نوع ترکیب «قفل بزرگ تیرگی»: یک ترکیب وصفی (قفل بزرگ) و یک ترکیب اضافی (قفل تیرگی) / نوع ترکیب «دستش»: اضافی

درک و دریافت

۱. در خوانش این سروده، به چه نکاتی باید توجه کنیم؟

چون این شعر جزو ادبیات غنایی است، باید با زبانی نرم و لطیف خوانده شود. ضمن اینکه باید به ایستگاههای آوایی توجه کرد؛ یعنی در جاهای مناسب خوانش را قطع و دوباره از سر گرفت.

۲. «انتظار موعود» یکی از مایه‌های ادبیات انقلاب اسلامی است؛ بر این مبنای متن شعر خوانی را بررسی کنید.

در این شعر ابتدا فضای غمبار دوران غیبت امام زمان توصیف می‌شود و در ادامه به انتظار عاشقان برای ظهور پرداخته شده و در نهایت این نوید به منتظران داده شده که امام زمان (عج) که کلید شهر پرآینه را در دست دارد، نهایتاً خواهد آمد و ظلم و ستم را از بین خواهد برد